



تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق ایران و مصر و بیان مبانی فقهی آن

پدیدآورنده (ها) : زاهدیان، مجتبی؛ موحدی، زهرا

فلسفه و کلام :: نشریه مطالعات فقه امامیه :: پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۹ (علمی-ترویجی)

صفحات : از ۳۴ تا ۴۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1343748>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ماهیت و ویژگی های قرارداد لیسانس و قابلیت انطباق آن با عقود معین در قانون مدنی ایران
- قواعد انحلال قرارداد لیسانس فناوری
- قرارداد مجوز بهره برداری انحصاری از حقوق مالکیت صنعتی
- مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان
- مقایسه حقوقی قرارداد لیسانس و فرانچایز
- حق امتیاز به عنوان عوض در قراردادهای لیسانس اختراع
- واکاوی وضعیت حقوقی قرارداد لیسانس فضولی مالکیت فکری با تأکید بر نظام اختراعات
- درآمدی بر حمایت از حق اختراع در حقوق ایران و چالش های حقوقی الحاق به موافقتنامه تریپس
- بررسی ماهیت و ساختار جوینت ونچر
- مسئولیت مدنی لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده در قبال اشخاص ثالث
- ماهیت قرارداد فرانسیز و انواع آن
- بررسی شروط ناعادلانه قرارداد لیسانس در نظام حقوقی ایران

عناوین مشابه

- مبانی فقهی قسامه و نحوه اجرای آن در حقوق موضوعه ایران
- ماهیت حقوقی طلاق معوض و تحلیل آثار فرهنگی و اجتماعی آن در حقوق ایران
- بررسی فقهی ماهیت وجودی حقوق مالی زوجه در قرآن؛ فقه امامیه و مقایسه آن با حقوق کشور مصر
- تحلیل ماهیت قرارداد توزیع بین‌المللی و وضعیت آن در نظام حقوقی ایران
- تحلیل فقهی و حقوقی نظریه مقاصد الشریعه از دیدگاه ابن عاشور و تطبیق آن با حقوق خانواده در ایران
- تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله مشروعیت آن
- مبانی قرآنی و تحلیل فقهی منع شکنجه با مطالعه اسناد بین المللی و حقوق ایران
- تحلیلی بر نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن
- نظریه نجات در حقوق آمریکا و تحلیل مبانی آن در حقوق ایران
- مبانی و ماهیت خاتمه قرارداد به مصلحت کارفرما در قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی (مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا و حقوق ایران)

تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق ایران و مصر و بیان مبانی فقهی آن*

□ مجتبی زاهدیان**

□ زهرا موحدی***

چکیده

قرارداد لیسانس یکی از قراردادهای انتقال فناوری در حوزه تجارت بین الملل است و بنابراین لازم است بُعد فقهی و حقوقی آن بیان شود. قرارداد لیسانس در قالب‌های مختلف عقود معین قابلیت طرح دارد، ولی این قرارداد در قانون ایران تحت ماده ۱۰ قانون مدنی قرار می‌گیرد. بنابراین برای فهمیدن آثار آن باید ابتدا از قرارداد و قصد مشترک طرفین تعهدات را فهمید و در صورت اختلاف می‌توان به عرف موجود در این زمینه و بعد به قوانین حقوق مالکیت فکری و بخش نامه قرارداد و اگذاری لیسانس و دانش فنی مراجعه کرد. قرارداد لیسانس براساس فقه امامیه جزء عقود معین نیست و مشروعیت آن را باید از طریق عمومات وفای به عقود و آیات دیگر اثبات کرد. قرارداد لیسانس در حقوق مصر در تحت عقد اجاره قرار می‌گیرد. بنابراین تعهدات طرفین ابتدا از قصد مشترک طرفین دریافته می‌شود و در صورت اختلاف طرفین به مواد قانون تجارت مصر که در زمینه قرارداد انتقال فناوری وجود دارد مراجعه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ماهیت قرارداد لیسانس، ماهیت مجوز بهره‌برداری، قرارداد لیسانس، عقد اجاره در حقوق مصر، مالکیت فکری.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۲/۱۶؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۵/۱۸.

** استاد یار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مشهد (Zahedian.mojtaba@yahoo.com).

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری واحد مشهد (نویسنده مسئول) (movahhedi69@yahoo.com).

مقدمه

در فرهنگ فارسی لیسانس به معنای (پروانه) و (اجازه) است (معین، ۱۳۷۹: ۳۶۶۷).

در اصطلاح حقوقی، لیسانس به این معناست که یک شخص اجازه استفاده از مالکیت فکری خودش را به دیگری اعطا کند، مانند سند ثبت اختراع (ورقه اختراع) (Martin, ۲۰۰۳, p۲۸۸).

باید گفت: دو دسته عقود در قوانین کشورها وجود دارد. بعضی از عقود معین هستند و بعضی از عقود غیر معین هستند. عقود معین؛ گروهی از قراردادهاست که در قانون نام خاص دارد و قانون‌گذار شرایط ویژه و آثار آن‌ها را معین کرده است، مانند عقد بیع و اجاره و قرض و ضمان و صلح و ... در این‌گونه قراردادها قالب بیان اراده از پیش فراهم آمده و همه امور به حاکمیت اراده دو طرف عقد واگذار نشده است. آنان نیازی به پیش‌بینی تمام حقوق و تکالیف ناشی از پیمان ندارند، زیرا قانون این مهم را به گردن گرفته است.

عقود نامعین در قانون عنوان و صورت ویژه ندارند؛ شمار آن‌ها نامحدود است و شرایط و آثار هر پیمان بر طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده معین می‌شود؛ مانند قرارداد مربوط به طبع و نشر کتاب و انتقال سرقفلی و اقامت در مهمانخانه و ... (کاتوزیان، الف ۱: ۱۳۸۷).

ثمره بحث این است که اگر قرارداد لیسانس جزء عقود معین باشد قواعد خاص آن عقد را به خود می‌گیرد و اگر جزو عقود نامعین باشد برای تفسیر قرارداد لیسانس باید به قصد مشترک طرفین و عرف موجود در این زمینه و قوانین حقوق مالکیت فکری و بخش‌نامه قرارداد لیسانس و دانش فنی و قواعد عمومی قراردادها مراجعه کرد. اگر قرارداد لیسانس جزو عقود نامعین باشد باید ببینیم آیا فقها قائل به توقیفی بودن عقود هستند یا عقود نامعین را هم قبول دارند. در اینجا باید دلایل آن‌ها را بررسی کنیم و به نقد و تحلیل پردازیم.

در این مقاله مبانی فقهی قرارداد لیسانس تحلیل می‌شود و ماهیت حقوقی آن براساس حقوق ایران و مصر بیان می‌شود.

۱. ماهیت حقوقی قرارداد لیسانس

در این قسمت می‌خواهیم بدانیم آیا می‌توان این قرارداد را جزء عقود معین قرار داد یا اینکه ماهیتی مستقل دارد. در اینجا عقود که قرارداد لیسانس با آن‌ها شباهت دارد بیان می‌شود و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها ذکر می‌شود.

در اصطلاح حقوقی لیسانس به این معناست که یک شخص اجازه استفاده از مالکیت فکری خودش را به دیگری اعطا کند، مانند: سند ثبت اختراع (ورقه اختراع) (Martin, ۲۰۰۳, p۲۸۸).

۱-۱. تحلیل براساس عقود معین

باید گفت: اگر قرارداد لیسانس در تحت عقود معین قرار بگیرد احکام آن عقود بر آن بار می‌شود و در غیر این صورت باید آن را عقد غیر معین بدانیم. در این گفتار چهار بند داریم که قرارداد لیسانس با بیع و معاوضه، حق انتفاع، عقد صلح و اجاره مقایسه می‌شود.

۱-۱-۱. قرارداد لیسانس و بیع و معاوضه

در این قسمت ویژگی‌های عقد بیع و معاوضه بیان می‌شود و بعد این ویژگی‌ها را با قرارداد لیسانس مقایسه می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم.

بیع براساس ماده ۳۳۸ ق.م. عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم. آنچه از این تعریف فهمیده می‌شود این است که بیع عقدی تملیکی و معوض می‌باشد و مبیع در عقد بیع باید عین معین باشد.

منظور از تملیکی بودن عقد بیع این است که انتقال مبیع به خریدار و ثمن به فروشنده با ایجاب و قبول واقع می‌شود. همین که خریدار و فروشنده درباره مبادله دو کالا و شرایط آن توافق کردند، مبیع و ثمن خود به خود مبادله می‌شود و نیاز به کار دیگری ندارد.

منظور از معوض بودن این است که عین مالی فروخته می‌شود با مال دیگر (که امروزه به طور معمول پول است) مبادله می‌شود. این وصف، بیع را از تمام عقود رایگان ممتاز می‌سازد.

وجود ثمن از ارکان ذات و جوهر بیع است، یعنی اگر تملیک عین در برابر ثمن نباشد، نمی‌توان قرارداد را بیع نامید و اگر در بیع شرط شود که مال به رایگان انتقال یابد یا ثمن به ملکیت فروشنده در نیاید، چنین شرطی خلاف مقتضای ذات بیع است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۳۶-۳۷).

منظور از عین در تعریف بیع این است که موضوع بیع باید مالی باشد که وجود مادی و محسوس دارد و به طور مستقل مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. ظاهر قید «عین» در ماده ۳۳۸ ق.م. انتقال «حق» را از تعریف بیع خارج می‌کند (همان: ۴۱). معاوضه از عقود معوض است، زیرا در آن دو موضوع متقابل وجود دارد که با هم مبادله می‌شود و هر یک از آن دو عوض دیگری قرار می‌گیرد.

معاوضه از عقود تملیکی است، در اثر معاوضه هر یک از دو طرف مالی را که داشته از دست می‌دهد و در برابر آن مالک مالی می‌شود که طرف دیگر به معامله گذارده است (همان: ۳۴۰). ماده ۴۶۴ قانون مدنی در تعریف معاوضه مقرر می‌دارد: معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند، بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین، مبیع و دیگری ثمن باشد.

در حالی که در قرارداد لیسانس، لیسانس دهنده اجازه استفاده از اموال فکری را به طرف دیگر می‌دهد و مالکیت را برای خود حفظ می‌کند، در صورتی که در بیع و معاوضه با بیع را به مشتری تملیک می‌کند به صورتی که دیگر خودش مالک مبیع نمی‌باشد.

باید گفت: قرارداد لیسانس به صورت رایگان و بلاعوض هم منعقد می‌شود، ولی این صورت خیلی نادر است. در حالی که در بیع و معاوضه، معوض بودن جزء ارکان قرارداد است و هیچ وقت به صورت رایگان اتفاق نمی‌افتد و اگر طرفین شرط بلاعوض بودن را در قرارداد درج کنند این قرارداد باطل است، زیرا معوض بودن اقتضای ذات قرارداد بیع و معاوضه را می‌کند.

در نتیجه باید گفت: در قرارداد لیسانس اگر چه طرفین قرارداد عملشان شبیه معاوضه است به این صورت که صاحب اختراع اجازه استفاده از اختراع را به لیسانس گیرنده می‌دهد و در عوض مبلغ مشخص یا حق امتیاز دریافت می‌کند، ولی این دو با هم تفاوت دارند، زیرا در قرارداد لیسانس صاحب اختراع صرفاً اجازه بهره‌برداری از اختراع را به مدت زمان معلوم به طرف دیگر

می‌دهد و مالکیت اختراع را برای خودش حفظ می‌کند، در حالی که یکی از اوصاف قرارداد معاوضه تملیکی بودن آن است.

۱-۲-۱. قرارداد ليسانس و حق انتفاع

یکی از قالب‌های قراردادی که می‌توان قرارداد ليسانس را با آن مقایسه نمود قرارداد حق انتفاع است. در ماده ۴۰ ق.م. که قرارداد حق انتفاع را تعریف کرده است می‌توان شباهت‌هایی را بیان کرد. ماده ۴۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: حق انتفاع عبارت است از حقی که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند.

در قرارداد ليسانس، ليسانس‌گیرنده می‌تواند از اختراع ثبت شده بهره‌برداری کند، در حالی که مالک آن نیست و فقط اجازه بهره‌برداری را دارد (الهمشری، ۲۰۰۹: ۶۴). همان‌طور که در حق انتفاع هم منتفع فقط حق استفاده دارد و مالک منفعت نیست. حق انتفاع به چهار صورت منتقل می‌شود: عمری، رقبی، سکنی و حبس مطلق.

به موجب ماده ۴۱ قانون مدنی، عمری حق انتفاعی است که به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا شخص ثالثی برقرار شده باشد.

اگر حق انتفاع برای مدت عمر مالک برقرار شده باشد، با مرگ او برطرف می‌شود. ولی اگر به مدت عمر منتفع یا ثالث باشد، فوت مالک اثری در آن ندارد و وارثان او نمی‌توانند مزاحم صاحب حق شوند.

ماده ۴۲ ق.م. در تعریف رقبی مقرر می‌دارد: رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می‌شود. تفاوت عمده رقبی و عمری در این است که در قسم اخیر مدت حق انتفاع از طرف مالک معین شده است و ارتباطی به عمر دو طرف یا شخص ثالث ندارد.

اگر حق انتفاع ناظر به سکونت در محل باشد به این اعتبار سکنی نامیده می‌شود. ماده ۴۳ ق.م. به همین مورد اشاره دارد. مدت برقراری حق ممکن است معین یا به مدت عمر مالک، منتفع، شخص ثالث و یا به طور مطلق و همیشگی باشد. پس سکنی، از نظر مدت قسم ممتازی از حق انتفاع نیست و فقط از نظر کثرت استعمال و شیاع آن، قانون، نام خاصی برای حق سکونت انتخاب کرده است.

اگر مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق است، زیرا در قرارداد حق انتفاع ضرورت ندارد که مدت ایجاد حق، معین شود. مالک می‌تواند به طور مطلق و بدون ذکر مدت، انتفاع از مال خود را به دیگری واگذار کند. در این صورت، مالک می‌تواند هرگاه که بخواهد، رجوع کند و در هر حال با فوت مالک حق انتفاع از بین می‌رود. ماده ۴۴ ق.م. در این زمینه مقرر می‌دارد: در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد، حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود، مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۸ - ۲۱۹).

براساس ماده ۴۰ ق.م. در حق انتفاع، منتفع مالک منافع نمی‌باشد و صرفاً می‌تواند از منافع استفاده کند.

منتفع به علت اینکه مالک منافع نیست نمی‌تواند منافع را به شخص دیگر اجاره بدهد، زیرا در اجاره باید منتفع مالک منافع باشد. همچنین به علت دلیل ذکر شده منتفع نمی‌تواند منافع را به ارث بگذارد. فقط در صورتی که قرارداد حق انتفاع حبس مطلق یا عمری به عمر مالک و ثالث باشد، با فوت منتفع، قرارداد باطل نمی‌شود، در صورتی که مالک و ثالث زنده باشند حق انتفاع به وراثت منتفع می‌رسد، البته در صورتی که قید مباشرت نشده باشد. ولی اگر قرارداد عمری به عمر منتفع باشد با فوت منتفع در

این مورد حق انتفاع به ارث نمی‌رسد و اگر رقبی باشد و منتفع بمیرد در حالی که هنوز مدت حق انتفاع تمام نشده باشد و قید مباشرت نشده باشد، حق انتفاع به ارث می‌رسد. فقط در یک صورت است که منتفع نمی‌تواند حق انتفاع را به ارث بگذارد و آن هم موقعی است که خودش از دنیا برود و زمان خاتمه قرارداد حق انتفاع به فوت منتفع باشد. در حالی که در قرارداد لیسانس با فوت لیسانس‌گیرنده قرارداد خاتمه پیدا نمی‌کند (الهمشری، ۲۰۰۹: ۶۴)، بلکه قرارداد زمانی تمام می‌شود که مدت تمام شود.

به نظر نگارنده تعیین مدت در قرارداد لیسانس به صورت عمری ریسک بسیار بالایی دارد، زیرا موضوع قرارداد لیسانس مالکیت فکری می‌باشد و مالکیت فکری تا یک زمان معینی اعتبار دارد در حالی که در قرارداد لیسانس اگر ما مدت را عمری بگذاریم باعث می‌شود مدت قرارداد در خیلی از مواقع از مدت اعتبار فناوری هم بیشتر شود و لیسانس‌گیرنده مبلغی را پرداخت کند که لزومی به پرداخت آن وجود ندارد و این باعث ضرر به لیسانس‌گیرنده است.

اگر غاصبی مال مورد حق انتفاع را غصب کند، چون منتفع مالک منافع نیست، بابت منافع فائده یا مستوفات، استحقاق خسارت را ندارد و باید به مالک عین خسارت داده شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ۱۷۶ - ۱۷۷).

منتفع می‌تواند حق انتفاع خود را به دیگری واگذار کند، مگر در صورتی که از قرارداد یا عرف و عادت قید مباشرت منتفع در انتفاع استنباط گردد، یعنی معلوم شود که منتفع باید شخصاً از موضوع حق انتفاع برخوردار شود و حق واگذاری به غیر را ندارد (صفایی، ۱۳۸۸: ۲۴۸ - ۲۴۹). در قرارداد لیسانس، لیسانس‌گیرنده نمی‌تواند به دیگران لیسانس را اعطا کند، زیرا او به صورت مباشرتاً باید از اختراع بهره‌برداری کند مگر اینکه لیسانس‌دهنده این حق را به او بدهد (الهمشری، ۲۰۰۹: ۶۴). به بیان دیگر بهره‌برداری از موضوع لیسانس به صورت مباشرتاً به لیسانس‌گیرنده داده می‌شود و او خودش باید بهره‌برداری کند در حالی که در حق انتفاع منتفع می‌تواند موضوع حق انتفاع را به دیگری بدهد مگر اینکه قید مباشرت شده باشد.

مالک می‌تواند در مال خود هرگونه تصرفی که معارض حق انتفاع نباشد بنماید. ماده ۵۳ ق.م. مقرر می‌دارد: انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود. مثلاً مالک می‌تواند ملک خود را با حفظ حق منتفع بفروشد یا آن را اجاره دهد، مشروط بر اینکه استفاده از عین مورد اجاره بعد از مدت حق انتفاع شروع گردد (صفایی، ۱۳۸۸: ۲۴۷). در حالی که در قرارداد لیسانس غیر انحصاری، لیسانس‌دهنده به طور همزمان می‌تواند به هر تعداد از افراد که بخواهد مجوز بهره‌برداری صادر کند و نیازی به صبر کردن در مورد انقضای مجوز بهره‌برداری فرد سابق نمی‌باشد، اما در حق انتفاع مالک فقط به یک نفر اجازه انتفاع می‌دهد.

واگذاری حق انتفاع در غالب موارد رایگان است، ولی مجانی بودن قرارداد از شرایط صحت آن نیست پس منعی نیست که حق انتفاع در برابر عوض نیز به دیگری واگذار شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۲۳). در حالی که قرارداد لیسانس غالباً به صورت معوض منعقد می‌شود و بسیار نادر است که به صورت بلا عوض منعقد شود.

حق انتفاع حق عینی است و موضوع آن شیء معین مادی، اعم از منقول یا غیر منقول است. در حالی که در قرارداد لیسانس، موضوع لیسانس اموال فکری است و اموال فکری در زمره اعیان نیست.

براساس ماده ۵۰ قانون ثبت اختراعات، شرط اثبات قرارداد لیسانس ثبت آن است و اگر ثبت نشود تأثیری برای اشخاص ثالث ندارد. در حالی که ما برای حق انتفاع نیازی به ثبت برای اثبات آن نداریم و این قرارداد برای اشخاص ثالث در صورتی که ثبت نشود، تأثیر دارد. بنابراین، با تفاوت فاحشی که قرارداد لیسانس با حق انتفاع دارد نمی‌توان قرارداد لیسانس را جزء حق انتفاع

۱-۳-۱. قرارداد لیسانس و عقد صلح

یکی از عقودی که قرارداد لیسانس با آن شباهت دارد عقد صلح است. حقیقت صلح اگرچه که به عین تعلق بگیرد تملیک بر وجه مقابله و معاوضه نمی‌باشد، بلکه معنای اصلی آن تسالم است (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳) و به معنای گسترده‌تر این گونه می‌توان تعریف کرد: صلح مصدر است و به معنای آشتی و تسالم و توافق می‌باشد و اصطلاحاً صلح به معنای تراضی و تسالم بر امری است، خواه تملیک عین باشد یا منفعت و یا اسقاط دین و یا حق و یا غیر آن (امامی، بی‌تا: ۳۱۵).

به نظر نگارنده، یکی از شباهت‌هایی که می‌توان از تعریف عقد صلح با قرارداد لیسانس به آن اشاره کرد این است که صلح به معنای تراضی و تسالم بر امری است و این امر می‌تواند حق باشد، در قرارداد لیسانس هم طرفین بر اجازه بهره‌برداری از اختراع توسط لیسانس‌گیرنده توافق می‌کنند. لذا می‌تواند از این جهت با صلح شباهت داشته باشد. تراضی و تسالم بر امری یک مفهوم عام است که می‌تواند قرارداد لیسانس را هم در تحت پوشش خود قرار دهد. همان‌طور که ذکر شد موضوع صلح می‌تواند حق باشد. بنابراین، موضوع لیسانس که حقوق مالکیت فکری است می‌تواند در تحت عقد صلح قرار بگیرد.

ماده ۷۵۲ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود. ماده ۷۵۸ مقرر می‌دارد: صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه معامله را که به جای آن واقع شده است می‌دهد، شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد. بنابراین اگر مورد صلح، عین باشد در مقابل عوض، نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود، بدون اینکه شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود. مثلاً اگر دو نفر عینی را به عوضی مصالحه کنند در اینجا احکام بیع مثل اختیارات اختصاصی بیع جاری نمی‌شود، ولی آثار بیع که تملیک است وجود دارد.

از این دو ماده این نتیجه را می‌توان گرفت که صلح فقط اختصاص به نزاع ندارد و در معاملات هم می‌توان عقد صلح را جاری ساخت. بدین ترتیب در مفهوم و جوهر صلح نوعی تسالم یا به بیان دیگر گذشت‌های متقابل وجود دارد و همین امتیاز است که آن را از سایر معاملات ممتاز می‌کند و به صورت معامله‌ای مستقل در می‌آورد. یعنی در هر مورد که وجود حقی بین دو نفر مشتبّه است یا مورد نزاع قرار گرفته است، یا هدف این است که از تنازع احتمالی پرهیز شود، عقدی که بر این مبنا و گذشت‌های متقابل طرفین واقع می‌شود، صلح است، هر چند نتیجه آن وسیله تسالم ایجاد حق یا انتقال یا اسقاط آن باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۲۶۴). همان‌طور که گفته شد، قرارداد لیسانس با صلح شباهت دارد، ولی با وجود مشابهت با عقد صلح تفاوت دارد که نمی‌توان قرارداد لیسانس را تحت عقد صلح در آورد.

باید گفت: قرارداد لیسانس در صورتی که ثبت نشود در مقابل اشخاص ثالث اعتباری ندارد، در حالی که در عقد صلح در صورت عدم ثبت در مقابل اشخاص ثالث و طرفین باز هم اعتبار دارد.

به نظر نگارنده؛ در جوهره و ذات صلح تسالم و گذشت‌های متقابل است و معمولاً برای رفع نزاع استفاده می‌شود، در حالی که قرارداد لیسانس برای رفع تنازع منعقد نمی‌شود، بلکه لیسانس‌گیرنده به بهره‌برداری از اختراع نیاز دارد، به همین دلیل است که قرارداد لیسانس را منعقد می‌کند.

شاید بتوان گفت: اگر طرفین تمایل داشته باشند می‌توانند قرارداد لیسانس را به وسیله عقد صلح به صورت معوض غیر

محاباتی منعقد کنند (معووض به عقد صلحی گفته می‌شود که هر یک از طرفین مال یا حق موجود یا احتمالی را مورد معامله قرار دهند. عقد صلح غیر محاباتی عقد صلح معوضی است که طرفین در مقام تساوی عرفی ارزش اقتصادی عوضین بوده باشند) (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶: ۴۰۹)، زیرا این عقد به گونه‌ای است که آثار عقود دیگر را دارد، ولی شرایط و احکام آن عقود را ندارد. ولی در صورتی که طرفین قالب حقوقی قرارداد را معین نکنند و نگویند که قرارداد صلح منعقد می‌کنند، نمی‌توان این قرارداد را صلح معرفی کرد.

۱-۴-۱. قرارداد لیسانس و عقد اجاره

یکی از عقود معین دیگری که شباهت‌هایی با قرارداد لیسانس دارد عقد اجاره است. ماده ۴۶۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر، مالک منافع عین مستأجره می‌شود، اجاره‌دهنده را موجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره می‌گویند.

اجاره عقد تملیکی است و اثر آن تملیک منفعت به مستأجر است و او بعد از عقد مالک منافع مورد اجاره می‌شود. مستأجر که مالک منافع است می‌تواند خود از منافع استفاده کند یا آن را به دیگری واگذار کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۳۴۸ - ۳۵۰). به بیان دیگر، اثر اجاره این است که منافع ملک به مستأجر تعلق می‌یابد. از این پس دو مالک برای عین وجود دارد: مستأجر که مالک منفعت است و می‌تواند آن را به دیگری واگذارد یا خود استفاده کند و مالک عین بدون منفعت، که تنها در حدود مالکیت خود می‌تواند در آن تصرف کند، بدون اینکه به انتفاع مستأجر خللی برساند (همان: ۳۵۰). در حالی که قرارداد لیسانس صرفاً اجازه بهره‌برداری از مالکیت فکری است و هیچ‌گونه تملیکی در آن وجود ندارد. به همین علت هم است که لیسانس‌گیرنده بدون اذن لیسانس‌دهنده نمی‌تواند اجازه بهره‌برداری از اختراع را به دیگران منتقل کند.

در حقوق مصر قرارداد لیسانس تحت عنوان عقد اجاره قرار می‌گیرد و علت آن می‌تواند تعریف متفاوت از عقد اجاره به نسبت حقوق ایران باشد، زیرا در حقوق مصر اجاره عقد عهدی به شمار می‌رود نه عقد تملیکی. بنابراین براساس حقوق مصر می‌توان آن را تحت عنوان اجاره قرار داد.

در حقوق مدنی مصر اجاره اموال معنوی مصداق دارد. به این صورت که مخترع می‌تواند اختراع خود را به دیگری اجاره دهد. اگر مخترع از حق خودش کاملاً بگذرد و مدت و مکان مشخص نکند به این قرارداد بیع می‌گویند، ولی اگر مخترع مدت و مکان مشخص کند به این قرارداد اجاره می‌گویند که در قرارداد لیسانس نیز به همین صورت است (سنهوری، بی‌تا: ۱۷۱-۱۷۲). حتی نام تجاری هم می‌تواند موضوع اجاره واقع شود، البته در صورتی که ارزش مالی داشته باشد. همچنین مؤلف می‌تواند تصنیفات خود را به اجاره بگذارد (ابوالسعود، ۲۰۱۰: ۷۵۴).

ماده ۵۵۸ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد: اجاره عقدی است که به موجب آن، موجر متعهد می‌شود مستأجر را متمکن از استفاده مال معین به مدت معین در برابر اجاره بهای معین نماید.

به بیان دیگر، در قانون مصر اجاره تملیک منفعت نیست بلکه عقد عهدی است، زیرا ماده می‌گوید: موجر متعهد می‌شود مستأجر را متمکن از استفاده ... نماید. در حالی که در قانون ایران همان‌طور که از ماده ۴۶۶ قانون مدنی ایران فهمیده می‌شود اجاره عقد تملیکی است.

همان‌طور که گفته شد، در حقوق مصر قرارداد لیسانس اختراع ثبت شده، قراردادی است که به مقتضای آن مالک اختراع ثبت شده، ملتزم می‌شود امکان بهره‌برداری از اختراع را برای لیسانس‌گیرنده فراهم کند و در مقابل هم لیسانس‌گیرنده مبلغی از پول را به لیسانس‌دهنده پرداخت کند.

قرارداد لیسانس ناقل ملکیت نیست، زیرا اختراع ثبت شده ملک صاحب آن است و به سبب همین قرارداد لیسانس صورت خاصه‌ای از عقد اجاره است. از ویژگی‌های قرارداد لیسانس در حقوق مصر این است که عقدی است که قوامش بر اعتبار شخصی لیسانس‌گیرنده است و عقد لازم و معاوضه‌ای است (صبره، ۱۹۹۷: ۲۵۵).

با توجه به اینکه قرارداد لیسانس در حقوق مصر تحت قرارداد اجاره قرار می‌گیرد و باید احکام اجاره بر آن اجرا شود، دو ماده را مشاهده می‌کنیم که با هم تعارض دارند.

ماده ۵۹۳ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد: مستأجر می‌تواند اجاره خود را واگذار کند یا کل یا جزئی از عین مستأجره را به دیگری اجاره دهد.

ماده ۸۱ قانون جدید تجارت مصر شماره ۱۷ سال ۱۹۹۹ مقرر می‌دارد: وارد کننده (فناوری) نمی‌تواند تکنولوژی را که برایش حاصل شده است به دیگری انتقال بدهد مگر با اجازه انتقال دهنده.

البته ماده ۸۱ درباره قرارداد انتقال فناوری است، ولی مقررات این ماده شامل قرارداد لیسانس هم می‌شود، زیرا تعبیر قرارداد انتقال فناوری شامل مجموعه‌ای از عقود متباین و متنوع است که برای هر کدام ماهیت قانونی خاص وجود دارد. در میان قراردادهای انتقال فناوری عقود بیع و اجاره و مقاوله (قرارداد مقاطعه‌کاری) یافت می‌شود، بلکه بعضی از این عقود مرکب عقدی هستند که از مجموعه‌ای از عقود مرتبط تشکیل شده‌اند. اما آنچه قرارداد انتقال فناوری را با وجود تنوع و اختلافی که دارد جمع می‌کند، انتقال دانش فناوری است که یک طرف عقد به طرف دیگر می‌دهد (خیری و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۴۷). اما قرارداد انتقال فناوری به صورت اجاره هم منعقد می‌شود که منظور قرارداد لیسانس است. با این فرض تمام مواد مربوط به قرارداد انتقال فناوری در قانون مصر شامل قرارداد لیسانس هم می‌شود.

براساس قانون مدنی مصر، لیسانس‌گیرنده می‌تواند فناوری را به دیگری انتقال دهد، ولی براساس قانون تجارت، لیسانس‌گیرنده نمی‌تواند فناوری را انتقال دهد. در تعارض بین قانون مدنی و تجارت، قانون تجارت مقدم می‌شود، زیرا قانون تجارت قانون خاص است. ماده ۲ قانون تجارت مصر مقرر می‌دارد: ابتدا احکامی که متعاقبین بر آن اتفاق دارند بر مواد قانون تجارت مقدم می‌شود. اگر چنین توافقی وجود نداشت نصوص قانون تجارت یا غیر آن از قوانینی که متعلق به مواد تجاری است، جریان پیدا می‌کند سپس قواعد عرف و عادت تجاری جریان دارد و اگر عرف و عادت تجاری وجود نداشت واجب است که احکام قانون مدنی تطبیق داده شود. بنابراین، لیسانس‌گیرنده بر طبق قانون تجارت نمی‌تواند مجوز بهره‌برداری از اختراع را به دیگری واگذار کند.

۲-۱. تحلیل براساس ماده ۱۰ قانون مدنی

قبل از حاکمیت قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ و پذیرش اصل آزادی قراردادهای، در ماده ۱۰ قانون مدنی آمده است، قراردادهای معمولاً در قالب یکی از عقدهای معین بسته می‌شود و اگر توافقی در یکی از این قالب‌های کهن جای نمی‌گرفت، طرفین ناگزیر

آن را به صورت عقد صلح یا شرط ضمن یکی از عقدهای معین به وجود می‌آوردند. اما نیازهای روزافزون جامعه و ناتوانی عقدهای معین (غیر از عقد صلح)، برای پاسخ‌گویی به این احتیاجات، موجب شد تا ماده ۱۰ قانون مدنی به تصویب برسد و مورد استفاده روزافزون مردم قرار گیرد (حسینی طرقي، ۱۳۸۰: ۶۲).

ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است. این ماده حاوی اصل «آزادی قراردادی» است و به حکومت اراده نیز دامنه گسترده‌ای می‌بخشد و آن را از حصار «عقود معین» خارج می‌کند (کاتوزیان، ب ۱۳۸۷: ۳۲). اصل آزادی قراردادهای خصوصی منوط به این شده است که مخالف صریح قانون نباشد و در ماده ۹۷۵ همان قانون آمده است که «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد، اگر چه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.» مقصود از واژه قانون در ماده ۱۰، قانون امری است نه تکمیلی، تراضی بر قانون تکمیلی حکومت می‌کند (همان).

الزام ناشی از قوانین تکمیلی مشروط بر نبودن تراضی مخالف است و برای عقد نقش تکمیلی دارد. برای مثال احکام خیارات در قراردادها در زمره قوانین تکمیلی است و می‌توان سقوط تمام آن‌ها را شرط کرد. پس برای احراز نفوذ یا بطلان قراردادهایی که با قانون مخالف است در مرحله نخست باید طبیعت قانون را باز شناخت، اگر قانون امری باشد، قرارداد باطل است و اگر تکمیلی به شمار رود عقد حکومت دارد (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱۵۶ - ۱۵۷).

به طور خلاصه عقود غیر معین باید شرایط زیر را داشته باشند:

۱. دارای شرایط اساسی صحت معامله باشند (ماده ۱۹۰ قانون مدنی). ۲. مخالف صریح قانون نباشد. ۳. برخلاف اخلاق حسنه نباشد. ۴. مخالف با نظم عمومی نباشد (امامی، ۱۳۳۸: ۴۸).

قرارداد لیسانس همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، در زمره هیچ‌یک از عقود معین مشابه قرار نگرفت. بنابراین، می‌توان آن را در زمره ماده ۱۰ قانون مدنی قرار داد.

این عقود که در قانون عنوان و صورت خاصی ندارد، شرایط و آثار آن بر طبق قواعد عمومی قراردادهای و اصل حاکمیت اراده تعیین می‌شود (همان: ۱۰۰).

۲. مبانی فقهی قرارداد لیسانس

عده‌ای از فقها قائل به توقیفی بودن عقود هستند و می‌گویند: منظور از لفظ «عقود» در آیه شریفه (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) عقود معهود و متعارف در زمان شارع است و نفوذ عقد جدید مجاز نیست (صاحب جواهر، بی‌تا: ۲۱۳؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۴۱؛ نانینی، ۱۴۱۳: ۳۶).

بعضی از فقهای دیگر بر این نظر خدشه وارد می‌کنند و عقود را اعم از عقود در زمان شارع و بعد از شارع می‌دانند که نظر آن‌ها را در ادامه بیان می‌کنیم.

قرارداد لیسانس جزء عقود معین نیست و برای صحیح بودن آن باید به عمومات از آیات و روایات مراجعه کرد. در تحلیل

عمومات است که اختلاف نظر وجود دارد. پس بهتر است عمومات را تحلیل و بررسی کنیم.

۲-۱. آیه وفای به عقود

«یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود...» (مائده: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید به عقد هایی که با هم می بندید وفا کنید.»
عقد در آیه (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) به معنای عهد می باشد که شامل همه پیمان های الهی و دینی است که خدا از بندگانش گرفته، و نیز شامل ارکان دین و اجزای آن، چون توحید و نبوت و معاد و سایر اصول عقائد و اعمال عبادتی و احکام تشریحی و امضایی و از آن جمله شامل معاملات و غیره می باشد و چون لفظ «الْعُقُودِ» جمع محلی به الف و لام است، لا جرم مناسب تر و صحیح تر آن است که کلمه «عقود» در آیه را حمل کنیم (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۸).

در آیه نکاتی است که باید به آن توجه کرد:

این آیه از جمله آیاتی است که در مباحث حقوق اسلامی به آن استدلال می کنند، و قاعده مهم فقهی که اصالة اللزوم فی العقود است از آن استفاده می گردد، یعنی هرگونه پیمان و معاهده ای درباره اشیا و یا کارها میان دو نفر منعقد گردد لازم الاجراء می باشد. همان طور که جمعی از محققان عقیده دارند، لفظ «عقود» در آیه شامل انواع معاملات و قراردادهایی که در عصر ما وجود دارد و در سابق وجود نداشته، و یا بعداً در میان عقلا به وجود می آید، و بر موازین صحیحی قرار دارد. این آیه همه آن ها را صحیح قرار داده است. البته با در نظر گرفتن ضوابط کلی که اسلام برای قراردادها قائل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴۵).
ظاهر آیه وفای به عقد، وجوب وفای به هر عقد می باشد، یعنی التزام به ترتیب دادن اثری که از عقد حاصل شده است؛ پس شامل هر عقدی می شود. اشکالی که وجود دارد درباره در برگرفتن عموم آیه برای عقدی است که متداول نیست یا برای عقدی که طرفین برای رسیدن به مقصود خودشان ایجاد کرده اند. اگر عمومیت آیه را به هر آنچه عقد نامیده می شود، بدهیم، ممکن است استدلال به آیه شریفه در مورد عقود مستحدثه مانند غیر عقود مستحدثه باشد. زمانی که شک ما در صحت و فساد عقد به علت نبودن شرطی از شروط باشد، می توانیم حکم به صحت کنیم. به دلیل اینکه آن را در شمار عقود می دانیم حکم به صحت می کنیم. اگر بگوییم منظور از عقود، عقود متعارف در زمان شارع است پس برای دخول مستحدث یا مشکوک در عقود متعارف نیاز به دلیل دیگری غیر از عموم آیه شریفه داریم.

کاشف الغطاء در کتاب *انوارالفقاهه* که جماعتی هم با او موافق اند، گفته است: مراد از «العقود» عقود متعارف در زمان شارع است و شکی نیست عقود متعارف همان عقودی است که امر معاش مردم به آن وابسته است، پس خطاب فقط بر آن انصراف دارد و هر عقدی که متداول بودن آن ثابت شود تحت عموم «العقود» است. ولی شایسته است که در عقود تأمل شود. عقود جایز و لازم داریم و این ها انواعی دارند که به عقود شایع و غیر شایع هم تقسیم می شوند و انواع عقود شایع افراد نادره و غیر نادره دارد. شارع ما را الزام به وفا به این عقود کرده است. اگر ما امر شارع را به عقودی که انواع و افراد شایع از عقود لازمه دارد انصراف بدهیم، تمسک به آیه از اساس لغو می شود و دیگر برای ما شکی در نوع و فردی از انواع باقی نمی ماند تا به آیه شریفه به جهت شک تمسک کنیم.

در حالی که بزرگان از اصحاب ما همیشه به این آیه تمسک می کردند. پس برای موافقت کردن با ظاهر آیه بهتر است که آیه را به همه انواع یا افرادی که اسم عقد بر آن صادق است بدهیم. مگر در جایی که شک در صدق اسم عقد بر آن می کنیم. در این

مورد شکی نیست که از عموم آیه خارج است. پس هر زمان که ما شک در نوعی از عقود کردیم یا شک در فردی از نوع شایع یا غیرشایع کردیم، به سبب آیه شریفه حکم به صحت و لزوم آن می‌کنیم (کاشف الغطاء، بی تا: ۱۹۱).

۲-۲. آیه تجارة عن تراض

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَاطِلًا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (نساء: ۲۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید.

استثنای موجود در آیه منقطع است و تراضی صفت تجارت است (عکبری، بی تا: ۱۰۳). منظور آیه این است که در اموال مردم بدون وجه شرعی مثل ربا و غصب و قمار تصرف نکنید ولی می‌توانید به طریق شرعی در اموال مردم تصرف کنید و طریق شرعی تجارتی است که با تراضی طرفین و مانند آن صورت گیرد. به طور خلاصه تصرف به باطل نهی شده است و تصرف با تراضی منهی عنه نیست (اردبیلی، بی تا: ۴۲۷).

مقصود از «تجارت»، تملك با عقد و معاوضه مالی می‌باشد و از بین داد و ستدها فقط «تجارت» این گونه می‌باشد، چون تجارت، شیوه غالب در راه کسب و درآمد می‌باشد و رسول خدا فرمود: روزی در ده جزء می‌باشد و نه جزء آن در تجارت است» (فاضل مقداد، بی تا: ۳۴).

طبق این بیان، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت‌ها که در میان مردم رایج است، چنانچه از روی رضایت باطنی طرفین صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد، از نظر اسلام مجاز است، مگر در مواردی که به سبب مصالح معینی، نهی صریح از آن شده است (مکارم شیرازی: ۳۵۶).

در نتیجه، ظاهر آیه اعتبار تراضی در حال صدور عقد را اقتضا می‌کند و اگر تجارت ناشی از تراضی باشد برای حصول ملکیت کفایت می‌کند بدون اینکه متوقف بر امر دیگری باشد. (فاضل مقداد، بی تا: ۳۲).

یکی از فقهای متقدم بر این عقیده است که برای اثبات عقود نامعین باید از عموم «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» استفاده کرد و نمی‌توان از عموم «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» استفاده کرد.

ایشان می‌فرماید: هیچ وجهی برای ادعای اختصاص عقود در آیه شریفه به عقود متعارف و معاملات متداول وجود ندارد. اراده عهد از «ال» در «العقود» خلاف ظاهر است. در اینجا اشکال دیگری بر صحت تمسک به عموم «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» وجود دارد، زیرا عموم آیه شریفه در جایی مورد استناد قرار می‌گیرد که عقد صحیح باشد و صحت آن مفروض عنه باشد تا بتوانیم متعاقدان را به آنچه به آن ملتزم شده‌اند مجبور کنیم. به طور خلاصه عموم آیه شریفه در مقام بیان لزوم آنچه صحیح است می‌باشد و در مقام بیان اصل صحت نیست. ولی تمسک به آیه شریفه «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» اشکالی در آن وجود ندارد (نائینی، ۱۳۷۳: ۱۰۴).

ضعف این سخن از جملاتی که برای اثبات عمومیت آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» از کتاب عوائد الایام بیان شد، روشن می‌شود. روایتی در کتب اربعه ذکر شده است که ذکر آن در اینجا خالی از وجه نیست. از امام × سؤال پرسیده شد: دو نفر که هر کدام مقداری طعام نزد دیگری داشت ولی مقدار آن را نمی‌دانستند، به یکدیگر گفتند: آنچه از مال من نزد توست متعلق به تو باشد. آیا این نحوه عمل صحیح است؟ امام × فرمود: اگر تراضی کرده باشند اشکالی ندارد (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰۶).

اگرچه این روایت در کتب فقها به عنوان یکی از ادله صحت عقد صلح ذکر شده است، ولی با توجه به اینکه امام × در مقام

تعلیل برصحت توافق، عبارت تراضی را به کار برده و طرفین نیز از الفاظ مخصوص صلح استفاده ننموده‌اند تا عنوان تراضی منصرف به آن باشد، می‌توان به استناد این روایت تراضی‌های مشروع افراد را ولو آنکه با لفظ «صالحت» نباشد صحیح دانست. مضافاً اینکه عنوان صلح نیز دلالتی جز نافذ بودن توافق‌های مشروع متعاقبین ندارد (حائری، ۱۳۷۰: ۱۶۶ - ۱۶۷).

در نتیجه می‌توان گفت با توجه به عمومات مذکور و روایت ذکر شده می‌توان عقود نامعین را که با تراضی طرفین ایجاد شده است و مخالف شرع مقدس و قانون نیست صحیح و لازم الوفاء دانست

نتیجه

قرارداد لیسانس یکی از قراردادهای انتقال فناوری در حوزه تجارت بین‌الملل است و در قالب‌های مختلف عقود معین قابلیت طرح دارد، این قرارداد در قانون ایران تحت ماده ۱۰ قانون مدنی قرار می‌گیرد. قرارداد لیسانس براساس فقه امامیه جزء عقود معین نیست و مشروعیت آن را باید از طریق عمومات وفای به عقود و آیات دیگر اثبات کرد. برای فهمیدن آثار آن باید ابتدا از قرارداد و قصد مشترک طرفین تعهدات را فهمید و در صورت اختلاف می‌توان به عرف موجود در این زمینه و بعد به قوانین حقوق مالکیت فکری و بخش‌نامه قرارداد واگذاری لیسانس و دانش فنی مراجعه کرد.

قرارداد لیسانس در حقوق مصر تحت عقد اجاره قرار می‌گیرد. بنابراین، تعهدات طرفین را ابتدا از قصد مشترک طرفین در می‌یابیم و در صورت اختلاف طرفین، به مواد قانون تجارت مصر که در زمینه قرارداد انتقال فناوری وجود دارد مراجعه می‌شود و اگر اختلاف حل نشد به عرف و عادت تجاری رجوع می‌کنیم و اگر عرف و عادت تجاری وجود نداشت احکام قانون مدنی که در مورد مبحث اجاره است مقدم می‌شود.

-
- ابوالسعود، رمضان محمد، العقود المسماة، بيروت، الحلبي الحقوقية، چاپ اول، ۲۰۱۰.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶.
- _____، حقوق اموال، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- حائری، مسعود، تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- حسینی طرقي، محمد، بحثی در پیرامون ماهیت و ویژگی های عقد صلح در فقه و قانون مدنی، کانون، شماره ۲۹، ۱۳۸۰.
- خیری، محمد؛ امین، سمیر، الوكالة التجارية و عقود نقل التكنولوجيا: طبقاً لقانون التجارة الجديد الوكالة بالعمولة - وكالة العقود، قاهره، المركز القومي للإصدارات القانونية، چاپ اول، ۲۰۱۱.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، عقد الايجار (ايجار الاشياء)، بيروت، المجمع العلمي العربي الاسلامی، بی تا.
- صبره، محمود محمد علی، ترجمة العقود التجارية، قاهره، [بی تا]، ۱۹۹۷.
- صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، محقق/ مصحح حسن خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، چاپ اول، عمان - ریاض، بیت الافکار الدولیه، بی تا.
- فاضل جواد، جواد بن سعید، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، [بی جا]، [بی تا]، بی تا.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، ترجمه، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، پاساژ قدس، بی تا.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، تهران، انتشارات بهمن، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- _____، حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تملیکی - بیع - معاوضه - اجاره - قرض، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
- _____، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۷.
- _____، حقوق مدنی (مشارکت ها، صلح، عطایا)، تهران، اقبال، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- _____، دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶.
- _____، حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تملیکی، بیع - معاوضه - اجاره - قرض، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، چاپ اول، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی تا.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، محقق/ مصحح: مرتضی رضوی، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

نائینی، محمدحسین، منیة الطالب فی حاشیة المكاسب، گردآورنده موسى بن محمد خوانساری، تهران، المكتبة المحمدية، چاپ اول، ۱۳۷۳ق.

_____ المكاسب و البيع، مقرر: محمدتقی آملی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

نجفی، عباس بن حسن (كاشف الغطاء)، الفوائد الجعفرية، [بی جا]، مؤسسه كاشف الغطاء، بی تا.
نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام، محقق/ مصحح: عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.

ولید عوده الهمشری، عقود نقل التكنولوجيا الالتزامات المتبادلة و الشروط التقييدية: دراسة مقارنة، عمان، دارالثقافة، چاپ اول، ۲۰۰۹.

Martin, Elizabeth A., (2003) A Dictionary of law, 5th ed, New York: Oxford University Press.



Analysis of the Nature of the Licensing Agreement in Iranian and Egyptian Laws and Explanation of Its Juridical Bases*

Mujtaba Zahedian **

Zahra Muvahhedi ***

Abstract

A licensing agreement is a legal contract between two parties, known as the licensor and the licensee. In a typical licensing agreement, the licensor grants the licensee the right to produce and sell goods, apply a brand name or trademark, or use patented technology owned by the licensor. This agreement is placed in Iranian law under article 10 of the Civil Code. To understand the effects of the agreement, it is necessary to know the common intention of the parties. In the event of a dispute, the parties can turn to the common and conventional practice in this regard and then to the intellectual property rights law and the licensing agreement and know-how. Based on Imamiyyah jurisprudence, the licensing agreement is not part of specific contracts. Thus, its legitimacy must be proved through the generalities of the rules concerning the fulfillment of contracts as well as some Quranic verses.

The licensing agreement comes under lease in Egyptian law. So the obligations of the parties are understood through the joint intention of the two parties, and in the event of a dispute the parties are referred to Egyptian Commercial Code pertaining to the contract technology transfer.

Keywords: nature of licensing agreement, nature of the exploitation license, licensing agreement, lease contract in Egyptian law, intellectual property.

* Date of submission: 6/5/2017 Date of acceptance: 9/8/2017.

** Assistant professor, Faculty of Law, Azad Islamic University of Mashhad (Zahedian.mojtaba@yahoo.com).

*** M.A., Fiqh and Private Law, Shahid Mutahhari University – Mashhad Branch (writer in charge) (movahhedi69@yahoo.com).